

پیدایش آدمی

همانگونه که پیش از این گفته شد، در گاتها چیزی در کالبدشناسی یا زیست شناسی آدمی گفته نشده است.

گاتها تنها می گوید که آدمی در گاتها چیزی درباره چگونگی پیدایش آدمی نیست برای عنصر مادی بدن واژه گنتا و برای است (اوروان) و روان (تنو) دارای تن درباره روان در گاتها، از استخوان آزدي، و برای کالبد کرپا، به کار رفته است و فرشته اهورایی و راهنمای (بأدا)، بینش (دانا)، وجدان و اخلاق (من) منش ، (توانایی اهورایی رهبری) همچنین گاتها از خوارنه سخن گفته است (فروهر) روح نام برده است (خر تو) و از خرد

بیشتر سخن گاتها درباره اندیشه توأمان است که از هنگام کودکی در اندیشه و یکی از این دو گفتار و کردار آدمی پدیدار شده، و رفتار آدمی را شکل می دهد (انگزه) و دیگری اندیشه ویرانگر و اهریمنی (سپنتامینیو) اندیشه سازنده و خوب ، زندگی و نازندگی، روشنایی و نا (یاروان) از برخورد این دو اندیشه است (مینو) (به صورت تز و آنتی تز) و به طور کلی هر پدیده با نبودن آن پدیده ... روشنایی (*1). خودنمایی می کند

ولی در اوستا که سده ها پس از درباره آدم، گاتها بیش از این چیزی نمی گوید گاتها نوشته شده، سخن بیشتری درباره پیدایش جهان و آدمیان آمده است که به هر رو با داستان آدم و حوا یکنواختی ندارد

در اوستا از مَشِي و مَشِيَّه به عنوان دو گیاه که توأمان از زمین روئیدن و بعداً (*2) شدند، سخن رفته است یکی زن و دیگری مرد - تبدیل به انسان در اوستا همچنین از آفرینش کیومرس به عنوان نخستین انسان فانی یا الگویی انسان فانی و گاو به عنوان نخستین حیوان یا الگویی حیوان و همچنین گیاه سخن سروش . اهریمن بر علیه کیومرس توطئه تا او را به نیستی به کشاند . رفته است اهورایی کیومرس را از خطر آگاهاند ولی اهریمن کار خود را کرد و کیومرس کشته نطفه های کیومرس توسط خورشید، پاك و نگهداری و سپس به زمین شد چسبیده از زمین (يك كرفس دو شاخه) از تخم کیومرس دو گیاه برگردانده شد دو شاخه درخت تبدیل به دو انسان، یکی زن . روئیده و به زودی درختی تنومند شد از تنه تنومند درخت، و یکی مرد، شد که نام مَشِي و مَشِيَّه خوانده شده اند در بندهش از کیومرس با عنوان پدر نژاد انسان نام . نژادهای گوناگون پدید آمد اسم برده شده که (*3) «جه» همچنین در آن کتاب از زنی بدکاره برده شده است از چه نژادی است و از کجا «جه» معلوم نیست که کیومرس را فریب می دهد

اپديد مي آيد

که از لحاظ سياسي (در دو ده اخير برخي نويسنگان تحت تأثير مذاهب ابراهيمي کوشش کرده اند که اين مشي و مشيانه را معادل آدم و حوا معرفي کنند) (نفوذ دارند اگر بخواهيم خود را گرفتار مقايسه کنيم، قصه مشي و . که البته درست نيست ولي، واقعيت اين است . مشيانه از جهتي، بيشتر شبهه به نظريه تکامل داروين است کساني که قصه مشي و مشيانه را معتبر مي شمارند، . که هيچ کدام از آنها نيست بايد آن را در طبقه اي ويژه به خود بگذارند و در جهان پندار کوشش نکنند که آن اسطوره . را با آدم و حوا يکي بگيرند و يا با نظريه داروين در يك رديف بگذارند . مشي و مشيانه متفاوت با آنهاست

داستان اوستايي مشي و مشيانه بازگو کننده دو مفهوم والايي است که در گاتها يکي پويايي آفرينش که به صورت رويش گياه از خاک و پيدائش . ريشه دارد حيوان از گياه متظاهر مي شود و ديگري تساوي زن و مرد که به صورت دو شاخه دو واژه اوستايي براي نخستين مرد و زن، . از يك گياه توأمان از زمين مي رويند که هر دو واژه معنای مُردني يا فاني هست (*4) (زن) و مَرْتَياني (مرد) مَرْتَيَا

5 و 3 بندهاي 30 يسنا :: *1

J. R. HINNELS نوشته PERSIN MYTHOLOGY نگاه کنيد به :: *2
از : اين تحول آدمي را به ياد مولوي مي اندازد که گفت 73 صفحه 1973 چاپ
از نما مردم به حيوان سرزدم / جمادي مُردم و نامي شدم

*3 : :JEH

*4 : : ريشه واژه هاي مشي و مشيانه

«فلسفه زرتشت» از کتاب ديدي نو از ديني کهن

دکتر فرهنگ مهر : نويسنده

1381 : چاپ چهارم

ديبا : چاپ